



خمس در کتاب

وسنت

۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنان لغویین و دانشمندان را در معنای کلمه غنیمت ذکر نمودیم و قرائن و شواهدی را که دال بر مدعای ما بود آوردیم و گفتیم که مفسرین و فقهاء و اهل لغت کلمه «غنیمت» و «غنم» را از دو نظر مورد بحث و تحقیق قرار داده اند:

۱- در مقام بیان فرق میان فیشی و غنیمت (با در نظر داشتن اینکه هر دو مالی است که از کفار و مشرکین و بغات بدست مسلمانان افتاده است) گفته اند که «غنیمت» آن است که با لشگر کشی و جنگ و قهر و غلبه گرفته شده و «فیشی» آن است که بدون لشگر کشی و جنگ بدست آمده باشد.

حکمت این دو باهم فرق دارد که در جای خود ذکر خواهیم نمود. إن شاء الله تعالی

۲- در مقام تفسیر و شرح کلمه «غنیمت» فقط با قطع نظر از جهات دیگر.

بعضی از مفسرین و فقهاء هر دو نظر را در کلامشان جمع کرده اند مانند فخر رازی در تفسیر و همچنین شیخ طوسی ره در تبیان و شیخ طبرسی در مجمع البیان و شیخ محقق مقدس اردبیلی در زبده و فاضل مقداد در کنز العرفان و قرطبی در تفسیر الجامع لأحكام القرآن و رشید رضا در المنار.

و گاهی هم این دو نظر به همدیگر خلط شده و موجب توهم گشته است. آنچه که گفته شد برای اهل تحقیق کافی است، ولی چون برخی از اشخاص کم اطلاع یا مغرض در این مبحث چیزهایی نوشته و گاهی تحریفات زیادی در نقل کلام بزرگان انجام داده اند. لازم دیدم بیش از این به نقل کلام فقهاء پردازیم، تا مطلب کاملاً روشن گردد، گرچه سخن به درازا بکشد.

در روزهایی که مشغول تتبع در پیرامون کلمه «غنیمت» بودم رساله ای به دستم آمد که در تفسیر آیه خمس و تحقیق درباره کلمه «غنیمت» تألیف یافته است. مؤلف مبتنی و محقق^۱ زحمت بسیار کشیده و عین الفاظ بزرگان را نقل کرده است. بر خود لازم دیدم که بخشی از آن رساله را در اینجا نقل کنم، تا خوانندگان محترم استفاده بیشتری ببرند.

۱- شیخ صدوق رحمه الله (متوفای ساله: ۳۸۱ هـ. ق) در خصال ص ۳۱۲ ط غفاری لژ جعفر بن محمد و او از پدرش و او از جدش و او از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمودند: رسول خدا (ص) در وصیتی (که برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیان فرمودند) فرمودند: یا علی عبدالمطلب در زمان جاهلیت پنج سنت قرار داد، و خداوند تبارک و تعالی آنها را در اسلام اجرا نمود... «ووجد کتراً فأخرج منه الخمس و تصدق به فانزل الله عزوجل: واعلموا انما غنمتم»^۲ در این حدیث شریف «غنیمت» در آیه شریفه به کنز تطبیق شده است.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب من لایحضره الفقیه ج ۴/ ۲۵۷ ط نجف پس از نقل این حدیث «عن رسول الله صلی الله علیه وآله: یا علی لا ولیمة الا فی خمس فی عرس او خرس او عذار او و کار او رکاز، فالعرس التزویج... والركاز يقدم الرجل من مکه»^۳ فرموده است: مصنف این کتاب گوید: شنیدم از بعضی از اهل لفت که گفته اند... و رکاز بمعنای «غنیمت» است. و مثل اینکه مراد این مرد لغوی این بود که اطعام برای آمدن از مکه «غنیمت» است چونکه ثواب بزرگی دارد.

و قول رسول خدا صلی الله علیه وآله که می فرماید: «الصوم فی الشتاء غنیمة باردة» از همین باب است.

در معانی الاخبار ص ۲۷۲ و در خصال ص ۳۱۴ در شرح این حدیث نیز این سخنان را بیان کرده است.

مرحوم صدوق در اینجا غنیمت را به ثواب اخروی تطبیق مینماید.

۱- این رساله را عالم متبّع محقق آقای شیخ رضا استادی در جواب یکی از این اشخاص مفروض تألیف فرموده اند. جزاه الله عن الاسلام واهله خیراً.

۲- ترجمه: گنجی پیدا کرد و خمس آن را کنار گذاشت و صدقه داد. پس خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمود: «واعلموا انما غنمتم».

۳- ترجمه: یا علی ولیمه نیست مگر در ۵ چیز: در عروسی یا در تولید فرزند یا در هنگام ختنه فرزند یا در خرید خانه یا در بازگشت از سفر حج.

۲- در معتبر ص ۲۹۲ و منتهی ج ۵۴۸/۱ از ابن عقیل نقل کرده است: گفته شده که خمس در همه اموال واجب است حتی در درآمد نجار و خیاط و خانه و باغ و صنعت. زیرا همه اینها فوایدی میباشد که خداوند رسانده و غنیمت است.

۳- شیخ مفید (ره) در مقننه ص ۴۵ فرموده خمس در هر چیزی که مغنم است واجب است. خداوند تعالی فرموده: «واعلموا انما غنتم...» و غنائم به هر چه که در جنگ، یا از معدن و غوص و گنج و عنبر، و یا هر چه که از سودهای تجارت و زراعت و صنعت بدست آید گفته می شود.

۴- شیخ طوسی رحمه الله در خلاف ج ۱۱۰/۲ می گوید: هر چه با شمشیر از مشرکین گرفته شود غنیمت نامیده می شود. در این سخن در بین علما اختلاف نیست. و نزد ما (علمای امامیه) هر چه را که انسان از سودهای تجارتها و کسبها و صنعتها، استفاده می برد غنیمت است. دلیل ما بر این سخن اجماع شیعه و آیه شریفه «واعلموا انما غنتم» می باشد.

باز شیخ در خلاف ج ۲ ص ۳۵۵ میفرماید: در معادن خمس واجب است... دلیل ما بر این مدعا اجماع شیعه و اخبار آنها و نیز قول خدای تبارک و تعالی است که می فرماید: «واعلموا انما غنتم».

در صفحه ۳۵۸ در مورد کتبی نیز نظیر همین استدلال را کرده است. در نهایت در باب خمس میفرماید: خمس در هر چیزی که انسان غنیمت می برد، واجب است. مانند ارباب تجارتها و زراعتها.

در استبصار ج ۲ ص ۵۶ در ذیل حدیث «لیس الخمس الا فی الغنائم خاصه» فرموده... وجه دوم اینست که کسبها و فائدههایی که برای انسان حاصل می شود از جمله غنائمی باشد که خداوند متعال در قرآن فرموده است. و در مبسوط ج ۶۴/۲ میفرماید: «اما الفنیمة فمشتقة من الغنم و هو ما یستفیده الانسان بسائر وجوه الاستفاده سواء كان برأس مال او بغير رأس مال»^۱

۵- ابوالصلاح گفته (بنا به نقل مختلف علامه ره) خمس در ارث و صدقه و هبه واجب است. زیرا اینها یک نوع کسب کردن است. لذا در معنای اغتنام داخل می گردند (که در آیه هست).

۶- شیخ ابوالفتح رازی (متوفای سنه ۵۵۳) در تفسیر آیه خمس پس از بیان موارد خمس می فرماید: و این جمله آنست که به دست هر کس افتد آن را در عرف غنیمت خوانند. برای اینکه غنیمت نامی است شامل هر فائده را که به مردم برسد و به عموم آن استدلال بر

۱- ترجمه: اما غنیمت از غنم مشتق شده است و آن عبارت است از آن که به نحوی از اتحاء استفاده که انسان بهره برد خواه این بهره برداری از طریق سرمایه گذاری باشد یا غیر آن.

و جوب اخراج خمس توان کرد از این جمله برای آنکه لفظ عموم متناول است آنرا. (رجوع شود به ج ۵/۴۱۴/۴۱۵).

۷- در غنیه فرموده: بدان از آنچه که در اموال واجب است یکی خمس است، و خمس در غنائم حرب، و گنج‌ها و معادن طلا و نقره... واجب است، دلیل ما اجماع... و ظاهر فرمایش خداوند متعال است که می‌فرماید: «واعلموا انما غنمتم» می‌باشد. و این چیزها را وقتی انسان بگیرد غنیمت می‌شود (به کتاب زکات رجوع شود).

۸- ابن شهر آشوب در متشابهات القرآن ج ۲/۱۷۵ فرموده: کلام خداوند که می‌فرماید: «واعلموا انما غنمتم» دالّ بر این است که در تمام معادن خمس واجب است.

۹- ابن حمزه در وسیله (کتاب جهاد) فرموده: ^۱ «غنیمت آن استفاده‌ای است که بدون سرمایه گذاری بدست می‌آید و آن بر دو قسم است: ۱- استفاده‌ای که از گنج‌ها و معادن بدست می‌آید... ۲- استفاده‌ای که در اثر غلبه در میدان نبرد حاصل می‌شود.

۱۰- محقق در معتبر ص ۲۹۲ در بیان حکم معادن فرموده: ... برای اینکه آن غنیمت است و به دلیل عمومیت آیه خمس در آن واجب است.

و در خمس ارباح مکاسب فرموده: دلیل ما قول خدای تبارک و تعالی است که می‌فرماید: «واعلموا انما غنمتم» و غنیمت اسم فایده است همانگونه که این لفظ برای فائده حاصله در میدان نبرد بکار می‌رود برای فواید دیگر نیز بکار می‌رود.

۱۱- علامه در منتهی ج ۱/۵۴۶/۵۴۸/۹۲۲/۹۲۱ در خمس رکاز که به معنی کنز است فرموده: در رکاز خمس واجب است، و در این جهت میان اهل علم اختلافی نیست، خداوند تعالی فرموده: «واعلموا انما غنمتم» و کنز از جمله غنائم است. و در ارباح مکاسب فرموده: پنجم سود هایی است که از تجارتها و کشاورزیها و صنایع بدست می‌آید... و دلیل ما فرموده خداوند متعال است که می‌فرماید: «واعلموا انما غنمتم» و وجه استدلال اینست که خداوند تعالی خمس را در هر چیزی که غنیمت است واجب کرده است.

سپس فرموده: غنیمت فائده‌ای است که بدست می‌آید خواه با سرمایه گذاری باشد مانند سود تجارتها و کشاورزیها و خواه در میدان جنگ باشد.

سپس مؤلف رساله از علامه رحمه الله در تذکره ج ۱ ص ۲۵۲/۲۵۳ و تحریح ج ۱/۱۳۸ و مختلف ج ۲/۳۱/۳۲/۳۳ نقل کرده است که به عموم آیه استدلال کرده است.

۱- «الغنیمة ما یستفاد به غیر رأس المال و ینقسم قسمین: اما یستفاد من الکنوز والمعادن... او

یستفاد بالغلبة من دارالحرب

۱۲- ابن ادریس در سرائر در باره صید دریا فرموده: خمس واجب است اگر چه غوص نباشد. زیرا آن یک نوع کسب و غنیمت بدست آوردن است.

۱۳- ابن جنید (در ردّ کسانیکه خمس را در ارث و هدیه و سود تجارت و در آمد کار و... منکر شده اند) فرموده: خمس در هر چه که غنیمت نامیده می شود واجب است. غنیمت، غنائم جنگی و غیر جنگی را شامل می شود.

۱۴- فخرالمحققین در ایضاح ج ۱ ص ۲۱۷ در شرح کلام پدرش علامه در قواعد (یشرط فی المعادن اخراج الموثیة) فرموده: شیخ در خلاف و اقتصاد و ابن براج و ابن ادریس اخراج موثی را شرط ندانسته اند زیرا آیه «واعلموا انها غنمتم» اعم است.

۱۵- شهید اول در دروس فرموده خمس در غنائم واجب است ... و در هفت چیز واجب است.

و در «بیان» فرموده: خمس واجب است، و بدلیل استقراء در هفت چیز واجب است که کلمه غنیمت همه را شامل می شود.

۱۶- فاضل مقداد در تنقیح (مخطوط) فرموده: چهارم (از موارد خمس) در آمد انواع کسب ها از قبیل تجارت و صنعت و زراعت می باشد. و شیخ، عمل را که از کوهها بدست می آید اضافه کرده، ابوالصلاح ارث را اضافه نموده است. زیرا کلمه غنیمت همه آنها را شامل می شود.

مؤلف متتبع و محقق رساله سپس عبارتهای شرح لمعه، و مسالک و تفسیر ملاً فتح الله، و حدیقه المتقین، روضة المتقین، مفاتیح فیض، وافی، مجمع البحرین، روح البیان، شرح مفاتیح بهبهانی، غنائم میرزای قمی، تفسیر شبر، صافی، مستند، جواهر، خمس شیخ انصاری، المنار، مصباح الفقیه، دائرة المعارف و جدی، فقه السنة، انفال منقانی، مناهج المتقین، منتهی المقاصد، و... را نقل کرده است.

۱۷- سید مرتضی رحمة الله در انتصار فرموده: از چیزهایی که امامیه در آن متضرد است: خمس را واجب دانستن است در همه مقانم و مکاسب و چیزهایی که از معادن و غوص و گنج و سود تجارتها، زراعتها و صنعتها بدست می آید. (جوامع الفقه / ص ۱۱۳).

آخرین سخن در اطراف کلمه غنیمت

سخن در مورد کلمه «غنیمت»، در آیه مبارکه خمس به پایان رسید:
 نهایت کوشش خود را در شرح و توضیح و بیان مدارک انجام دادم گرچه اطلاعاتم

محدود و توانم اندک بود. در عین حال از آنچه که گذشت نتیجه ای که بدست آمد این است که:

مراد از کلمه «غنمتم» در آیه مبارکه هر مائی است که انسان آن را بدست می آورد خواه با زحمت باشد یا بی زحمت، سرمایه گذاری در آن کرده باشد یا نه، در جنگ با کفار بدست آید یا از راه تجارت و کشاورزی و صنعت. آنچه که در عبارت قاموس و بعضی از اهل لغت آمده که: «غنیمت مائی است که بی مشقت بدست آید». این تعریف قبلاً مورد نقد و بررسی قرار گرفته و مردود شناخته شد.

بنابراین بر هر مسلمانی واجب است هر مائی که از راه حلال بدستش آمده یک پنجم آن را بعنوان خمس به خدا و رسول و ذی القربی بپردازد، کم باشد یا زیاد و در متن آیه هیچ قید و شرطی جز اینکه غنیمت باشد ذکر نشده است. پس اگر عرفاً از افراد غنیمت شمرده شود، غنم باید خمس آن را بپردازد، سال بگذرد یا نگذرد، مؤنه سال باشد یا نباشد.

مخصوصاً کلمه «ما» در «انما» مبهم و احتیاج به بیان دارد و در آیه شریفه آن را با «من شیء» بیان کرده است. که در حقیقت مبهم را تکرار نمودن است. با توجه به اینکه تفسیر مبهم با مبهم محال است. شاید نکته اش این باشد که متعلق خمس مخصوص به یک چیز نیست، بلکه همانا مورد تعلق خمس بدون استثناء هر چیزی است که غنیمت صدق بکند.^۱ مفسرین تصریح بر این کرده اند که: «من شیء» دلالت بر تعمیم متعلق خمس دارد یعنی خمس در غنیمت واجب است. هر چه باشد، کم باشد یا زیاد، بزرگ یا کوچک.^۲ شاید منشأ این استفاده همانست که ادباء گفته اند: «من» گاهی برای بیان جنس است، و اکثراً بعد از کلمه «ما» و «مهما» می آید و این دو کلمه به «من» اولویت دارد، زیرا زیاد ابهام دارند مانند: «ما یفتح الله للناس من رحمة»^۳ و «مهما تأتانا به من آية»^۴ یعنی «آنچه خداوند باز می کند از جنس رحمت هر چه باشد» و «هر چه بیاوری از آیه از هر نوع و به هر کیفیتی باشد» که در حقیقت حکم مترتب است بر جنس خواه کم باشد یا زیاد و از هر نوعی باشد از انواع این جنس. به هر حال ما تعمیم را از دو جهت استفاده می کنیم:

۱- ذخائر الامة ص ۷/۶

۲- رجوع کنید به روح المعانی ج ۲/۱۰ - تفسیر فخر رازی ج ۱۶۴/۱۵ از کشاف - مجمع البیان

ج ۵۴۲/۴ ط اسلامیة و زبده الاحکام ص ۲۰۹.

۳- سوره فاطر، آیه ۲

۴- سوره اعراف، آیه ۱۳۲

- ۱- قید و شرط نداشتن موضوع خمس که غنیمت است.
 - ۲- ابهام «ما» و بیان آن با «من شیء».
- اخبار خمس نیز به این تعمیم و کلیت دلالت یا اشاره دارد مثلاً در اخبار چنین آمده است:
- ۱- از امام موسی بن جعفر (ع) درباره خمس سؤال کردم فرمود: در هر چیزی که مردم استفاده برند، استفاده خواه کم باشد یا زیاد.^۱
 - ۲- از امام جعفر بن محمد علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «واعلموا انما غنمتم من شیء» روایت شده که فرمود: بخدا غنیمت فایده روز به روز است الا اینکه پدرم برای شیعیان حلال کرد تانسلسان پاک باشد.^۲
 - ۳- از رسول خدا (ص) روایت شده (در حدیث طولانی) که فرمود: و اخراج خمس در هر چه که انسان مالک می شود.^۳
 - ۴- هر فایده ای که مردم ببرند غنیمت است، و فرقی بین گنج ها و معادن نیست.^۴
 - ۵- یک پنجم مالت را صدقه بده همانا خداوند از اشیاء به خمس رضایت داده است.^۵
 - ۶- و خداوند اموال را با خمس پاک کرد.^۶
 - ۷- خمس بر هر کسی که غنیمتی بدست آورد یا تجارتنی نماید واجب است.^۷

- ۱- جامع الاحادیث ج ۸/۵۴۶ از کافی و استبصار و تهذیب سألت ابا الحسن (ع) عن الخمس؟ فقال فی کل ما افاد الناس من قلیل او کثیر.
- ۲- جامع الاحادیث، ج ۸/۵۴۹ از کافی و تهذیب و استبصار هی والله الافادة يوماً یوماً الا ان ابی جعل شیعتنا فی حل لیزکوا.
- ۳- جامع الاحادیث ج ۸/۵۴۶ از طرائف سید بن طاوس و اخراج الخمس من کل ما یملکه احد من الناس.
- ۴- کل ما افاده الناس فهو غنیمة لا فرق بین الکنوز والمعادن - جامع الاحادیث ج ۸/۵۴۸ از فقه الرضا.
- ۵- «تصدق» بخمس مالک فان الله قد رضی من الاشیاء بالخمس - جامع الاحادیث ج ۸/۵۴۴ از تهذیب و کافی و محاسن.
- ۶- وقد طهر الله الاموال بالخمس - جامع الاحادیث ج ۸/۵۴۴ از مقنعه.
- ۷- «علی کل امرء غنم او اکتسب الخمس - جامع الاحادیث ج ۸/۵۴۷ از تهذیب و در آخر حدیث چنین آمده است: حتی الخیاط لیخیط قمیصاً بخمسة دواتیق فلنا منها داتق.

۸. — و اما غنائم و فوائد، خمس آنها در هر سالی بر آنها واجب است خداوند متعال فرموده است: «واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله خمسة وللرسول...» خدا تو را رحمت کند فوائد همان غنیمت است که مرد آن را بدست می آورد.

۹. — خمس یک بار بر تمام اموال تعلق می گیرد.

۱۰. — خمس نیست مگر در غنائم خاصه.

زیرا این احادیث یا تصریح به مطلب دارد مانند حدیث اول و دوم و سوم و چهارم و نهم و یا ظهور دارد مانند حدیث پنجم و ششم که جمع محلی به الف و لام موضوع خمس قرار داده شده است و مانند حدیث دهم که مقتضای حقیقی بودن حصر این است که غنائم مطلق فائده است.

از مطالب گذشته کاملاً روشن شد که اختصاص دادن وجوب خمس به غنائم جنگی دور از تحقیق و خلاف کتاب و سنت است.

محقق اردبیلی رحمه الله در زبده کلامی دارد که از نقل آن ناگزیریم: «...»
 «از ظاهر آیه استفاده می شود که خمس در هر غنیمتی واجب است و غنیمت در لغت بلکه عرفاً هم بمعنای فائده است. بعضی از اخبار هم به این تعمیم اشعار دارند. مانند روایتی که در تهذیب از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده: «قال قلت له: واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله خمسة وللرسول... قال: هي والله الفائدة يوماً فيوماً (کذا) الا ان ابی جمل شيعتنا من ذلك في حل ليزكوا».

ولی ظاهر این است که این معنی (تعمیم کلی) قائل ندارد، زیرا بعضی از علماء آنرا مخصوص کرده اند به غنائم جنگ و بعضی هم معادن و کنوز را به آن ضمیمه کرده اند. و اکثر اصحاب ما — یعنی علماء امامیه رحمه الله عليهم — آن را در هفت چیز منحصر نموده اند.

۱ — «فاما الغنائم والفوائد فهي واجبة عليهم في كل عام قال الله تعالى واعلموا انما غنمتم من شيء فان لله خمسة وللرسول... والفوائد - يرحمك الله فهي الغنيمة يفتنها المرء والفائدة يفيدها والجائزة...» جامع الاحادیث ج ۸/۵۶۴ از تهذیب و استبصار.

۲ — الخمس من جميع المال مرة واحدة - جامع الاحادیث ج ۸/۵۴۷ از تحف المقول.

۳ — ليس الخمس الا في الغنائم الخاصة - جامع الاحادیث ج ۸/۵۲۹ از وسائل.

۴ — مصباح الفقيه محقق همدانی.

۵ — تهذیب ج ۱/۳۸۸ و کافی ج ۱ ص ۵۴۴

۶ — علماء اهل سنت

علاوه: اجمال در قرآن کریم زیاد است مانند آیه «والذین یکنزون الذهب والفضة» که مراد از آن بعضی از اقسام کبزه است که بحد نصاب رسیده باشد. علاوه بر اینها: اگر خمس در همه چیز واجب باشد. این تکلیف شاق است و الزام کردن شخص به دادن خمس جمیع آنچه را که مالک است مشکل است و اصل سمحه و سهله بودن شریعت آن را نفی می‌کند و علاوه روایت صحیحیه نیست، با اینکه صراحت آن نیز محل تامل است زیرا ممکن است که مراد از فائده یوماً فیوماً در صنعتی باشد که خمس در آن واجب است. و قائل شدن به اینکه: خمس در همه چیز و هر فائده واجب است مگر آنچه که اجماع بر عدم وجوب باشد خالی از بعد نیست. و آنچه طبرسی در تفسیر مجمع البیان آورده مطلب خوبی نیست.^۱

اشکالی که در کلام اردبیلی قدس سره به نظر می‌رسد این است که: دلالت آیه از جهت معنای غنیمت و اینکه هیچ قیدی ذکر نشده و «من شیء» هم دلالت بر تعمیم دارد جای شک و تردیدی نیست و قائل نداشتن (اگر صحیح باشد) مانع نیست از اینکه با ظاهر آیه را اخذ کنیم و مشقتی را هم که ذکر فرمودند ممنوع است زیرا الآن جمعی از مسلمانان خمس را از تمامی درآمدها می‌پردازند و حرج و مشقتی احساس نمیشود، و روایت هم اولاً یکی دو تا نیست بلکه روایات همانطوریکه نقل کردیم متضاد و متعارض است علاوه بر اینکه موثق و معتبر و شاید صحیح هم میان آنها هست.

و محقق همدانی فرموده: بسا اشکال میشود در این مطلب یعنی در تعمیم در مورد خمس به اینکه تخصیص اکثر لازم می‌آید. ولی این اشکال مردود است: اولاً: تخصیص اکثر لازم نمی‌آید برای اینکه هر چه در ملک انسان داخل میشود استفاده و اکتساب به او صدق نمیکند و اگر صدق هم بکند و لفظ (غنیمت و استفاده و اکتساب) از آن منصرف نباشد جواب اشکال این است که:

مقتضی عموم کتاب و سنت این است خمس در همه (درآمدها) واجب است ولی از طریق اجماع و سیره کشف میشود که صاحبان خمس از حق خودشان در موارد زیادی صرف نظر نموده‌اند و به شیعیان خود ارفاق کرده‌اند و مؤید این مطلب مضمونی است که در روایات تحلیل خمس آمده است: «الناس یعیشون فی فضل مظلمتنا الا انا احللنا شیعتنا من ذلك» و باز تأیید میکند این مطلب را عده‌ای از روایات معتبره که خمس را در میراث و هبه واجب کرده

۱- عبارت مرحوم محقق اردبیلی را تلخیص و ترجمه نمودم برای استفاده کامل به زبده البیان ص

است (که حمل میشود به اینکه در اصل واجب بوده گرچه عفو شده است) با اینکه التزام بوجوب خمس در این موارد مشکل است.^۱ آنچه از دقت در احادیث وارده و سیره قطعیه رسول الله صلی الله علیه وآله بدست می آید اینست که:

همانطوری که قرآن کریم دلالت میکند: خمس مال خدا و رسول و ذی القربی می باشد که در مصارف مذکوره و در مصالح اسلام و مسلمین صرف مینمایند و گاهی صلاح اسلام و مسلمین تقاضا میکند که موقتاً از گرفتن مطلقاً صرف نظر نمایند کما اینکه رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ بدر نگرفت و همه غنائم را میان رزمندگان تقسیم کرد^۲ و امام جواد علیه السلام یک سال خمس را حلال کرد^۳ و گاهی صلاح اسلام تقاضا میکند که در قسمتی از اموال بگیرند و در قسمتی صرف نظر کنند مانند مؤنه سال که از خمس آن مقدار صرف نظر شده و از بقیه در آمد در آخر سال خمس را مطالبه کرده اند.

و گاهی ممکن است بطور دقیق و بدون مسامحه از همه درآمدها خمس را بخواهند کما اینکه در حدیث آمده «حتی ان الخياط لخیط ثوبا بخمسة دواقی لنا منه داتیق» و «هی والله الأفادة یوما یوم».

از اینجا معلوم میشود که چرا حضرت رسول صلی الله علیه وآله در نامه ای که برای بعضی از قبائل نوشته اصلاً خمس را ذکر نکرده است و در نامه ای که برای بعضی دیگر نوشته خمس را نیز نوشته است و در بعضی خمس را در مطلق غنائم واجب نموده و در نامه دیگر در «سیوب» یا «رکاز» بالخصوص قرار داده است و در نامه در ارباب مکاسب بیان کرده است. و همچنین در وصیت هائی که برای قبائل عرب بیان میفرمودند گاهی خمس را ذکر کرده و گاهی مسکوت عنه گذاشته است.

و اما آنچه بعضی از علماء اهل سنت ادعاء کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله اساساً خمس نگرفته است قطعاً خلاف واقع است زیرا: اولاً: آیه شریفه در وجوب خمس نازل شده و حضرت رسول صلی الله علیه وآله اینهمه در نامه ها و وصیت ها آن را بطور مؤکد بیان فرموده بلکه جزء شرایط ایمان یا جزء قرار داد پیمان تأمین آورده است.

۱- مصباح الفقیه ص ۱۰۹

۲- سابقاً در تاریخ تشریح خمس گذشت

۳- جامع الاحادیث ج ۸/ ۵۴۹ شماره حدیث/ ۱۲

ثانیاً: همانطوری که قبلاً اشاره کردیم مأمورینی برای جمع آوری خمس تعیین کرده بودند.
ثالثاً: بطور مسلم رسول خدا صلی الله علیه وآله خمس را در مواقع متعدد گرفته و
مخصوصاً در خیبر خمس را گرفته و تقسیم نموده است.^۱
خلاصه اشخاصی که کوچکترین مطالعاتی در تاریخ و حدیث داشته باشند میدانند که
این ادعاء باطل و دوراز حقیقت است.

و اما آنچه نقل شده که «...والذی نفسی یدیه مالی ما افاء الله علیکم ولا مثل هذه (ای
الویره التي اخذها من الأبل) الآ الخمس وهو مردود علیکم...»^۲ مراد این است که خمس را از
شما می گیریم و در مصالح شما مسلمانان مصرف میکنم نه اینکه خمس را به خود شخص شما بر
میگردانم زیرا اگر اینطور بود اساساً خمس گرفتن لغو میشد.
بیهای نیز پس از نقل حدیث، همین تفسیری را که ما گفتیم آورده است و این ادعاء
کننده روی غرضی که داشته چنین ادعاء واضح البطلان را ذکر کرده و ما بعداً به آن اشاره
خواهیم نمود. إن شاء الله تعالی
روی همین اصل ائمه علیهم السلام نیز گاهی در یک زمان موقت خمس را نگرفتند^۳ و

۱- در این حدیث رجوع شود به: سنن بیهقی ج ۳۳۹/۶/۳۴۰/۳۴۱/۳۴۲ با اسانید متعدد و اموال ابی
عبید ص ۴۶۱/۴۶۲ و درمنثور ج ۱۸۶/۳ از ابن ابی شیبة و تفسیر طبری ج ۵/۱۰ و المناجیح ج ۷/۱۰ از بخاری و
ابو داود و تفسیر قرطبی ج ۱۲/۸ و فتح الباری ج ۱۷۴/۸ و بخاری ج ۱۱۱/۴ و در حاشیه فتح الباری
ج ۱۰/۴/۸ و خراج ابی یوسف/۲۱ و نیل الأوطار ج ۲۲۸/۸ از احمد و نسائی و ابوداود و برقانی و کشاف
ج ۲۲۲/۲ و ترتیب مسند شافعی ج ۱۲۶/۱۲۵/۲ و تبیین الحقائق ج ۳۵۷/۳ و بحر رائق ج ۹۸/۵ و بدایة
المجتهد/۲۸۶ و نصب الرایة ج ۴۲۵/۴۲۶/۴۲۷ و تفسیر نسفی ج ۱۰۲/۲ و ارشاد الساری ج ۲۰۲/۵ و
نسائی ج ۱۳۰/۷ و ابوداود ج ۱۴۵/۳/۱۴۶ و مجمع الزوائد ج ۳۴۱/۵ و ابن ماجه ج ۹۶۱/۲.

۲- رجوع شود به: سنن بیهقی ج ۳۳۹/۳۳۸/۳۱۸/۳۰۳/۳۰۳ و الصحيح من السیرة ج ۲۲۹/۳ از موطأ
مالک ج ۱۴/۲ و اموال ابی عبید/۴۴۴/۴۴۷ و در منثور ج ۱۸۶/۳ از ابن ابی حاتم و تفسیر فخر رازی ج
۱۶۶/۱۵ و احکام القرآن جصاص ج ۲۴۷/۲۳۲/۴ با سندهای متعدد و تفسیر قرطبی ج ۱۲/۸ و معیلة القاری
ج ۵۶/۶ و نیل الأوطار ج ۸۹/۸ از عمرو بن عنبة و عبادة بن صامت و عمرو بن شعيب.

ابو عبید گفته که این جریان در غزوة حنین اتفاق افتاده و فخر رازی گفته که در جنگ خیبر بوده
است و احتمال می رود که در هر دو روی پیش آمدی حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرموده باشد که اصرار
در گرفتن غنائم نکنید و فشار نیاورید زیرا من نمیخواهم غنائم را خودم بخورم بلکه تنها خمس را بر میدارم و
چهار خمس را میان شما تقسیم می نمایم و آن خمس را نیز در مصالح خود شما مسلمانان صرف میکنم.

۳- جامع الاحادیث ج ۵۴۹/۸ حدیث شماره ۱۲ از امام جواد علیه السلام

گاهی تأکید نمودند که باید همه خمس را بپردازند^۱ و گاهی از هفت چیز گرفتند و در بقیه عفو نمودند^۲ همانظوری که در ارباب مکاسب و طولی سال هر چه مخارج نفهنگی داشته باشند خمسین را در آن عفو نموده و از بقیه در آخر سال خمس را ایجاب نموده‌اند.^۳

فقهاء رضوان الله علیهم خمس را در هفت چیزی که ائمه علیهم السلام بالخصوص مورد تأکید قرار داده بحث کرده‌اند ما هم از آنان پیروی نموده بطور تفصیله به آن اشاره می‌کنیم.

اول از آن هفت مورد غنائم جنگ است یعنی اگر لشکر اسلام با اذن امام علیه السلام جنگ نمایند و غنیمت بدست آورند باید خمس آن را برداشته و بقیه میان رزمندگان تقسیم شود.



من باز عرض می‌کنم که فقه را نباید فراموش کرد، فقه به همان صورتی که بوده است باید باشد «فقه جواهری» باید تقویت شود، باید حوزه‌ها وقت وافرشان را صرف فقه و اصول و مباحثه (آنها) کنند، زیرا فقه در رأس دروس است.

از فرمایشات حضرت امام خمینی ارواحنا له الفداء ۳/۷/۶۲

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- جامع الاحادیث و وسائل و وافق و مستدرک الوسائل در کتاب خمس در باب فرض خمس
- ۲- وسائل و بحار و مستدرک و جامع احادیث الشیعة و سایر کتب حدیث در کتاب خمس
- ۳- جامع الاحادیث ج ۸/۵۵۴.